

بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود و نسبت P/E شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

شهاب الدین شمس^۱، فائزه بزن بیرانوند^۲

^۱ استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده اقتصاد و امور اداری، دانشگاه مازندران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، موسسه آموزش عالی خزر

چکیده

یکی از مهم ترین دغدغه های سرمایه گذاران، یافتن روشی برای انتخاب مناسب ترین سهم یا پرتفوی از میان انبوه سهام موجود در بازار می باشد. به دلیل کاربرد وسیع ضریب P/E و تأثیرگذاری عمده آن در تصمیمات سرمایه گذاری فعالان بازار، برخورداری از درک مبتنی بر پایه ی علمی از این ضریب و توانایی شناخت عوامل موثر بر شکل گیری آن حائز اهمیت فراوان است. از این روی در این پژوهش به بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود و نسبت قیمت به درآمد می پردازیم. بر همین اساس اطلاعات مربوط به ترازنامه، سودوزیان و گردش وجوه نقد ۱۱۰ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۴ مورد استفاده قرار گرفته است. برای مشخص شدن روابط، فرضیه ای طرح و برای آزمون آنها از آزمون رگرسیون خطی استفاده گردیده که به روش داده های تلفیقی (تابلویی) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین نسبت قیمت به درآمد و تغییرات سود تقسیمی رابطه معناداری وجود دارد. به این ترتیب که در مجموعه شرکتهای رشدی بین سیاست تقسیم سود و نسبت قیمت به درآمد رابطه منفی و معنادار و در شرکتهای ارزشی رابطه مثبت و معنادار وجود داشته است.

واژه های کلیدی

سیاست تقسیم سود، نسبت قیمت به درآمد، شرکتهای رشدی، شرکتهای ارزشی.

مقدمه

سیاست تقسیم سود یکی از موضوعات اساسی در مباحث مدیریت مالی است. با توجه به نوسانات ایجاد شده در شاخص های بورس اوراق بهادار، تقسیم سود به موضوعی مهم برای افزایش ثروت سهامداران تبدیل شده است. از یک طرف مدیران شرکت ها خواهان تقسیم سود کمتر و از طرف دیگر سهامداران خواهان دریافت سود تقسیمی بیشتری هستند. برای افزایش عایدات، مدیران باید از مدل های تقسیم سود و عوامل موثر بر سیاست تقسیم سود آگاهی داشته

باشند. پندی^۱ (۲۰۰۱) معتقد است سیاست سود تقسیمی، سود خالص شرکت را به دو بخش تقسیم میکند: سود انباشته و سود تقسیمی.

سود انباشته جریان نقدی مورد نیاز جهت تأمین مالی سرمایه- گذاریهای شرکت را فراهم می کند. شرکتی که معمولاً سود تقسیمی به صورت نقدی پرداخت می نماید و همچنین برای تأمین مالی فرصت های سرمایه گذاری به نقدینگی نیاز دارد، مجبور خواهد بود تا از منابع خارجی مانند اوراق قرضه یا انتشار سهام جدید استفاده نماید. بنابراین سیاست سود تقسیمی شرکت هم بر تأمین مالی بلندمدت و هم بر ثروت سهامداران تأثیر میگذارد.

شرکتها نسبت پرداخت سود خود را با توجه به عوامل مختلفی از جمله وضعیت نقدینگی، دیون شرکت، توانایی شرکت در دستیابی به بازارهای پول و سرمایه، علائق سهامداران، سود شرکت به عنوان منبع تأمین مالی محتوای اطلاعاتی تقسیم سود، هزینه انتشار، فرصت های سرمایه گذاری، محدودیتهای قرارداد وام و اوراق قرضه، ثبات سودآوری، محدودیت های قانونی و منافع مدیریت تعیین می کنند. بر اساس قانون تجارت ایران شرکت های پذیرفته شده در بورس موظف به توزیع حداقل ۱۰ درصد از سود شرکت بین سهامداران می باشند. بعضی از شرکت ها به پرداخت حداقل قانونی اکتفا کرده و بعضی دیگر تقریباً تمام سود را توزیع می کنند (رضوانی راز، ۱۳۸۸). تصمیم گیری در مورد اینکه چه درصدی از سود به عنوان سود تقسیمی توزیع شود موضوع مهمی است که مدیران مالی با آن مواجه هستند.

سیاست تقسیم سود

منظور از سیاستهای تقسیم سود این است که مدیران چه مبلغی از سود را بین سهامداران تقسیم می کنند و چه مقدار را به عنوان سود انباشته نگهداری می کنند به عبارت دیگر سیاست تقسیم سود شرکت را تخصیص سود حاصله میان سهامداران یا انباشته کردن سود در شرکت می گویند.

^۱ - Pandey